



محمد غفوریان، دروازه بان قدیم فوتبال مشهد، خاطرات شیرینی از گذشته دارد

سرنوشت بچه های تیم کوچه ششم

● ● مصدومیت و پایان فوتبال

درس خواندن برای محمد همیشه اولویت بوده است. برای همین وقتی در رشته گرافیک دانشگاه تهران پذیرفته شد، فوتبال حرفه ای و بازی در لیگ ایران را کنار گذاشت و برای ادامه درسش راهی تهران شد. او در سال های دانشجویی همچنان فوتبال بازی می کرد و مدتی در تیم منتخب دانشگاه تهران هم حضور داشت، اما یک مصدومیت شدید از ناحیه مینیسک پا، پایانی بود بر ماجراجویی او در زمین چمن و از بازی فوتبال خدا حافظی کرد.

می گوید: در یک بازی مهاجم حریف پایش را روی زانو من گذاشت و مینیسک پای چپم پاره شد. یک سال زمان برد تا دوباره سرپا بشوم، اما دیگر هیچ وقت نتوانستم ورزش را به صورت پر فشار و حرفه ای دنبال کنم. البته همان موقع ازدواج هم کرده بودم و تصمیم گرفتم به مشهد برگردم و مربیگری را شروع کنم.

● ● بچه ها را از کوچه جمع کردی!

سال ۱۳۹۰ آغاز مربیگری محمد غفوریان در فوتبال پایه است. او در آن سال در مدرسه فوتبال باشگاه جام عسل فعالیت می کرد و نوجوانان و جوانان زیادی را با فوت و فن فوتبال حرفه ای آشنا کرده است.

خاطره جالبی دارد از آن روزها و می گوید: تابستان بود و بیشتر از دوستان نفر در این مدرسه فوتبال تمرین می کردند. یک روز پدر و مادر بچه ها سراغم آمدند و گفتند: «خدا خیرت بدهد محمد آقا که این بچه ها را از کوچه و خیابان جمع کردی و سرگرم شدند! به خدا صبح تا شب اسیر این ها بودیم.» گفتم: «من بچه ها را تمرین می دهم، اما فردا روز اگر دست و پای شکست، شکایت نکنید.» گفتند: «اگر کمرشان هم بشکند، عیبی ندارد! همین که از کوچه و خیابان جمع بشوند و دنبال دود و دم نیفتند، کفایت می کند.»

● ● استاندار می نشست و فوتبال تماشا می کرد

دروازه بان قدیمی فوتبال این روزها با تعدادی از جوانان مشهدی وقایعی تیمی تشکیل داده اند که در لیگ دسته چهارم ایران حضور دارد و او به عنوان کمک مربی در این تیم فعالیت می کند. محمد از مدیران شهری گلایه دارد و معتقد است شهری با ثروت مشهد باید دو تیم در لیگ برتر داشته باشد، اما متأسفانه شهرستان سال هاست که از فوتبال روز ایران عقب مانده است.

غفوریان بچه هایی را که در حال تمرین هستند، با دست نشان می دهد و می گوید: حیف این همه استعداد! بعضی از این بچه ها می توانند در بالاترین سطح فوتبال ایران بازی کنند. اما نه دیده می شوند و نه کسی حاضر است برای این بچه ها خرج کند. در گذشته حتی استاندار وقت در جایگاه مهمانان حضور داشت و از نزدیک شاهد بازی های محلات مشهد بود که در ورزشگاه تختی برگزار می شد، اما حالا دیگر آن میل و اشتیاق خبری نیست.



رضاریا (ای) قدیمی های فوتبال مشهد با اسم محمد غفوریان آشنا هستند: دروازه بانی که فوتبالش را از کوچه پس کوچه های محله سمزقند شروع کرد. اما او چ فوتبالش را در شهر یزد و تیم شهید قندی پشت سر گذاشته است: درست همان سالی که این تیم داشت مبارزه می کرد تا در سطح اول فوتبال ایران بدرخشد و غفوریان و هم تیمی هایش این آرزوی مردم یزد را برآورده کردند.

او که حالا در محله هاشمیه زندگی می کند، ۳۵ سال از پنج دهه عمرش را پایه توپ بوده است و کلی دانش و تجربه فوتبالی و ورزشی دارد که دلش می خواهد آن را به بچه های فوتبال دوست دیگر هم یاد دهد. فکر و ذکر محمد تربیت نسل جدید فوتبال مشهد است و از سال ۱۳۹۰ در مدارس فوتبال فعالیت می کند. او می گوید: تاکنون دویست بازیکن تربیت کرده ام و خوشبختانه حتی یکی شان سیگاری نشد. دنبال خلاف نرفتم و همه برای خودشان آدم حسابی شدند؛ هر چند که مدیران فوتبال مشهد به استعداد های شهرشان بهانمی دهند.

● ● بازی در کوچه پس کوچه های سمزقند

محمد مثل خیلی از پسر بچه های دهه های پنجاه و شصت فوتبالش را از زمین های خاکی شروع کرد. او کودکی اش را در محله سمزقند و خیابان مطهری شمالی گذراند و همان جا هم ورزش فوتبال را شروع کرد. خودش می گوید: فوتبال همه زندگی من بود. شب ها خواب فوتبال می دیدم. با بچه های محل روزی هفت هشت ساعت بازی می کردیم. بعضی وقت ها کفش هایمان پاره می شد، اما با پای برهنه دنبال توپ می دویدیم. تیممان از بچه های کوچه مان تشکیل شده بود. راستش کلی تیم در محله داشتیم که به نام کوچه ها نام گذاری شده بود: تیم کوچه اول، کوچه دوم، کوچه سوم، چهارم و... تیم محمد و رفیق هایش به نام کوچه ششم معروف بود. آن ها در مطهری شمالی ۶ ساکن بودند و بین دیگر تیم ها بهترین فوتبال را بازی می کردند. آن موقع ها کنار دبستان شهید موسوی قوچانی یک زمین خاکی فوتبال بود که از همه محله سمزقند آنجا جمع می شدند و فوتبال بازی می کردند: بچه های هجرت و عامل و بخشی هم بودند.

● ● تیم «سرکوپه ای» بودیم

«در محلات پایین شهر، گل کوچک تنها بازی ما بود. آن زمان مثل الان پارک و زمین بازی وجود نداشت و بچه ها بیشتر در کوچه و زمین های خاکی بازی می کردند. از درس و مدرسه می زدیم و گل کوچک بازی می کردیم.»

محمد این هارامی گوید و ادامه می دهد: یاد می آید آن قدر فوتبال یست بود که هر کوچه ای دو تیم داشت: تیم «ته کوچه ای» و «سرکوپه ای». اگر هم تعداد بچه ها به حد نصاب نمی رسید، هر کوچه ای حداقل یک تیم داشت. تیم ما تیم سرکوپه ای بود. یادش به خیر، جام برگزار می کردیم و حتی به تیم های برتر جایزه و کاپ قهرمانی می دادیم.

زندگی همه جوانانی که در آن سال ها پایه توپ می شدند و همه را در بیل می زدند، عاقبت به خیر نشده است. برخی از آن ها حالا معتاد شده اند و این موضوع برای محمد خیلی ناراحت کننده است.

● ● تاریخ سازی با شهید قندی

فوتبالیست ساکن محله هاشمیه در تیم های مختلفی فوتبال بازی کرده است. او فوتبالش را از منتخب نوجوانان و جوانان مشهد شروع کرد، اما شغل پدر و انتقالش به یزد، مسیر ورزشی محمد را تغییر داد و او این فرصت را به دست آورد تا در تیم های بزرگ لیگ کشوری مانند فولاد و شهید قندی یزد فوتبال بازی کند.

می گوید: سال ۱۳۸۴ بود که در تیم فوتبال شهید قندی یزد فوتبال بازی می کردم. یزدی ها به این تیم خیلی علاقه دارند. در آن سال شهید قندی برای حضور در لیگ برتر رقابت می کرد و آخر سر هم با قهرمانی در لیگ آزادگان به لیگ برتر راه پیدا کرد. تیم فوتبال شهید قندی یزد تا حالا تنها یادگاری یزد در لیگ برتر فوتبال ایران بوده است و من هم خوش حالم که جزئی از این تاریخ سازی بودم.

